

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۱۵ اگست ۲۰۲۲



طالبان: یک سال خیانت و جنایت، راهی به سوی تصفیه های جناحی و تعدیل احتمالی

با فرارسیدن پانزدهم اگست ۲۰۲۲ میلادی، یک سال از تفویض قدرت به گروه خود فروخته و فاشیست طالبان، میهن فروشی، ستمگری و سلطه خونین آن و مبدل ساختن افغانستان به شیوه فاشیست های هیتلری به زندان بزرگ زنان و مردان تحت ستم، بیکار و گرسنه آن، گذشت. طی این یک سال پر از انواع ستم، مصیبت و جنایت وارده بر خلق ستمدیده کشور از جانب طالبان و حامیان بیرونی آنها و اغماض دول و نهاد های امپریالیستی – ارتجاعی در برابر آن جنایات هولناک؛ افغانستان تحت سیطره ترانز فاشیستی طالبان و امارت جنایتش با اوضاع متشنج، خطرناک، خونین و مختنق؛ تا امروز در کانون توجه و رقابت مستمر و آماج درازدستی نسبتاً بی سر و صدای بلاک های رقیب امپریالیستی و ارتجاعی غرب و شرق قرار داشته است.

حدود یک سال قبل، در آستانه تحول موقعیت مستعمراتی افغانستان، پایان اشغالگری مستقیم ۲۰ ساله امپریالیست های متجاوز امریکا – ناتو، ناکامی در تطبیق ستراتیژی نخستین امپریالیسم اشغالگر در قبال افغانستان و تعدیل ناگزیر و پیامد های آن به شمول فرار مقتضحانه نیرو های اشغالگر همراه با سقوط نظام مستعمراتی ساخته و پرداخته آن اشغالگران در افغانستان، رقم خورد.

خلأ ناشی از خروج ناگزیر نیرو های اشغالگر و قاتل امپریالیستی و سقوط دولت مزدور آنان متشکل از سرباند های جهادی – قومی، تکنوکرات های مزدور، مزدوران مدنی و تسلیم طلبان بی آرم؛ دو هفته قبل از فرار نهائی اشغالگران، با جا به جایی رهبران پوشالی گروه مزدور طالبان در ارگ پوشالیان قبلی توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء و سپس اعلام "امارت اسلامی" خودخوانده آن گروه، پر شد. به قدرت رسیدن مجدد گروه مزدور طالبان و تشکیل "امارت اسلامی" ترور و تازیانه بار دوم این گروه با عین نگرش ها و رویکرد های فوق ارتجاعی، زن

ستیزانه، تمامیتخواهانه، فاشیستی و شوونیستی و ماهیت مزدوری؛ در نتیجه دسیسه و تفاهم مشترک امپریالیستی - ارتجاعی میان امپریالیست های اشغالگر با ستراتیژی ناکام و حامیان بیرونی طالبان مثل دولت مرتجع، آزمند، معاند و توسعه طلب پاکستان با وساطت و میزبانی دولت مرتجع قطری، میسر و اجرائی شد.

در ادامه به مناسبت نخستین سالگرد آورده شدن دولی رهبران طالبان توسط طیارات امریکائی به ارگ مزدوران، اهم سیاست ها و کارکرد های یکساله گروه مزدور و خون آشام طالبانی را در پیوند منطقی آن با سیاست های دول ارتجاعی و امپریالیستی بیرونی، به اختصار مرور می کنیم:

۱. قبل از همه، گروه طالبان به مثابه مولود هماغوشی امپریالیسم و ارتجاع منطقه، با کاراکتر ضد ملی و میهن فروشی اش مشخص می شود. با این خصیصه، این گروه خودفروخته در نقش یک پروژه نواستعماری ساخت امپریالیست های غربی و ارتجاع حاکم دول اسلامی و به مثابه ابزار منفعل برنامه های استعماری، در خدمت امپریالیسم و ارتجاع منطقه قرار داشته و دارد. با این ویژگی نخستین طی یک سال اخیر در تفکر، سیاست و عملکرد گروه طالبان؛ این گروه مزدور بدون تفکیک جناحی در خدمت اهداف پلید بیگانگان مغرض و متجاوز و علیه منافع علیای ملی، وحدت ملی، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی مردم افغانستان قرار داشته است. ماهیت ضد ملی طالبان، توجیه گر کلیه سیاست های ضد ملی یکساله این گروه و امارتش در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی و... بوده است.

۲. گروه به غایت مرتجع و متحجر طالبان از منظر فکری با تمامیتخواهی مذهبی اش تشخیص می یابد. همین تمامیتخواهی مذهبی، منشأ تمامیتخواهی در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، سیاسی و اقتصادی این گروه می شود. اقتدارگرایی گروهی و برتری جوئی سیاسی، جنسیتی و قومی طالبان بر زمینه تمامیتخواهی فکری - مذهبی؛ ریشه های انحصارگری، فاشیسم و شوونیسم ملیتی - جنسیتی این گروه و سیاست ها و مواضع ارتجاعی و ضد انسانی یکساله "امارت اسلامی" این گروه را می سازد.

۳. نخستین اقدام گروه طالبان در بدو ورودش به کابل و سائر شهر ها و روستاها با دستور و برنامه اربابان بیرونی اش، اشغال نقاط و مراکز حساس کلیدی، دوایر دولتی، بانک ها و غصب و غارت جایداد های دولتی و خصوصی، کنترل بنادر و راه های مواصلاتی، تعطیل دفاتر و به خانه فرستادن مأموران زن و مرد دولت ساقط شده قبلی بود. این امر به کاهش سریع فعالیت اقتصادی و فرو رفتن زندگی کارگران و کارمندان بخش اداری، فنی و خدماتی و در مجموع، خانواده های بی بضاعت زحمتکشان شهری متکی به معاش ماهوار بخش دولتی - خصوصی، در فقر بود. گروه جنایت پیشه، مافیائی و ستمگر طالبان با این عملکرد های خانمانه و ضد انسانی فوق، مزید بر قطع کمک های بیرونی، در جنب امپریالیسم، در یک سال اخیر خود زمینه ساز و عامل فروپاشی همه جانبه اقتصادی افغانستان شده است.

۴. عدم بازگشائی مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه، دشمنی با دختران و زنان و حقوق اجتماعی شان مثل حق تعلیم، تحصیل و کار در بیرون از منزل، فرستادن زنان به خانه، سرکوب خونین زنان معترض و تبدیل افغانستان به زندان بزرگ زنان و مردان بیکار و گرسنه.

علاوه از نگرش و موضع مذهبی - اجتماعی خیلی ارتجاعی و مردسالار طالبان در قبال زنان کشور و حقوق اجتماعی آنان به حیث نیمه بشریت که از گرایش تمامیتخواهانه و برتری جویانه جنسیتی (شوونیسم جنسیتی) این گروه مرتجع ناشی می شود، تعطیل مکاتب دخترانه در سال تعلیمی روان و فرستادن زنان به چهاردیواری خانه، سنگسار و شلاق زدن زنان در ملا عام به اتهام داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج، تحمیل حجاب اجباری و به شلاق زدن زنان و

سرکوب خونین اعتراض مدنی زنان در خیابان ها، حبس و شکنجه جسمی و روانی زنان معترض و غیره، همه و همه از ماهیت مزدوری و کاراکتر ضد ملی طالبان نیز نشأت گرفته است. یعنی این نوع اعمال سرکوبگرانه و جنایات فجیع، به طور دستوری برای شکستادن غرور، اراده و روحیه مردم افغانستان صورت گرفته است.

۵. به ادامه گذشته، اشتراک فعال رهبران و کادر های محلی طالبان در فعالیت های مافیائی کاشت و تجارت مواد مخدر و دریافت سهم بزرگ از آن؛ غصب جایداد ها و دارائی های عامه و به جا مانده از افراد زورمند فراری؛ تاراج برخی از معادن به کمک غارتگران داخلی و خارجی به خصوص پاکستانی مثل زغال سنگ، سنگ تالک، سنگ های قیمتی و عقد قرارداد های زیانبار و میهن فروشانه در بخش های معادن مس، آهن و نفت و گاز و... با شرکت های تاراجگر خارجی از جمله چینی؛ کنترل و جمع آوری عایدات گمرکی بنادر و میادین هوائی، وضع مالیه بر وسایط ترانسپورتی کالا و مسافر، جایداد ها و کسب و کار کوچک، متوسط و بزرگ؛ جمع آوری پول کرایه از جایداد های تجاری بی صاحب مثل بلند منزل های تجاری - مسکونی و پلازا ها، غصب قصر ها و خانه های قیمتی در کابل و ولایات به اضافه پول های دریافتی از منابع متمایل به القاعده و کمک های دولتی و سازمان های جهانی.

در حالی که در یک سال اخیر مردم بیکار و خانه نشین افغانستان در بحر فقر و گرسنگی غوطه ور بوده و با ده ها نوع مصیبت و مشقت اجتماعی - اقتصادی و سوانح طبیعی مثل زلزله، سیلاب و عواقب مرگبار و مخرب آن رو به رویند، گروه سفاک و جنایتکار طالبان بی توجه به عمق و پهنای مصائب و آلام مردم، همه پول های مجاری فوق الذکر را طی یک سال خیلی خائنه و جنایتکارانه در خدمت حرکت ماشین سرکوب و کشتار طالبانی به کار انداخته و خون معترضان و هموطنان بی گناه ما را در جمیع اکناف کشور جاری ساخته است.

۶. گروه به غایت مرتجع طالبان و "امارت اسلامی" آن، با پایه طبقاتی "فئودالی" و "کمپرادوری" و با برنامه و نگرش تمامیتخواهانه در قبال غیرطالبان، دگراندیشان، زنان، روشنفکران اعم از لیبرال، دموکرات و مترقی و در مجموع با انکار واقعیت وجودی فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امروز افغانستان؛ هر گونه مفاهیم آزادی، تحول، دموکراسی، دگرگونی، ترقی، برابری، رویش و بالندگی را برنمی تابد و با عاملان و حاملان این ارزش ها و اندیشه ها و مدافعان آزادی های مدنی و اجتماعی مثل آزادی اندیشه و بیان، تحصیل و رسانه ها و آزادی ملی با خون و خشونت ددمنشانه و شیوه های سرکوبگرانه برخورد کرده است.

۷. گروه و امارت اسلامی طالبان، متأثر از نگرش شوونیستی اش، در سیاست و عملکرد یکساله اش، به عمد رنگین کمان ساختاری در جامعه چند قومی افغانستان را نادیده گرفته و تک صدائی پیشه کرده است. این تک صدائی در تفکر، موضع اجتماعی، سیاست رسمی و عملی و کارکرد یک ساله گروه انحصارگر، مستبد، ستمگر و ضد دموکراتیک طالبان، ملهم از دیدگاه برتری جویانه و سیاست انحصارگرانه این گروه؛ به انحصار قدرت، نفی و انکار عملی طبقات و اقشار زحمتکش و سلب حقوق دموکراتیک زحمتکشان، شهروندان و نهاد های اجتماعی، سرکوب فریاد اعتراض و صدای مخالف، تقویت ارتجاع سیاسی و فرهنگی و استبداد قرون وسطائی تا سرحد فاشیسم تمام عیار، انجامیده و ارتقاء یافته است.

۸. گروه و امارت مزدور و مرتجع طالبان در عین دشمنی آشکار با مردم افغانستان و ارزش های حیاتی ملی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی آنان؛ طی یک سال اخیر در ادامه گذشته، یک وابستگی ذاتی و درهم تنیدگی سرشتی و تاریخی با امپریالیسم، ارتجاع حاکم منطقه و گروه های دهشت افکن مرتجع اسلامیت افراطی و در مقاطعی ابزار دست امپریالیسم و دول ارتجاعی و توسعه طلب همجوار و منطقه، داشته است. این همسرشتی طالبان با دسته های

افراطی و خونریز اسلامیت، به گواهی حادثه نهم اسد در قلب کابل محزون، تا سرحد میزبانی رهبران و آدمکشان سازمان تروریستی القاعده و فعالان شریر گروه های مرتبط بدان ارتقاء یافته است.

۹. گروه فاشیستی و بیگانه پرست طالبان با سرکوب عامدانه خونین معترضان و مخالفان، ربودن افراد معترض یا مخالف، زندانی ساختن، شکنجه و کشتار و برپائی محاکم صحرائی؛ به نقض سیستماتیک و هدفمند حقوق بشر، ارتکاب جنایت های جنگی، جنایت علیه بشریت و مصادیقی از نسل کشی بر پایه تعلقات قومی و انگیزه سیاسی، پرداخته است. همچنان، ایجاد فضای اختناق در گستره جامعه و در محدوده مراکز علمی - تحصیلی کشور، به فرار کادر های علمی - فرهنگی از کشور و راه افتادن موج کوچیدن اجباری و ناخواسته جوانان، خانواده ها و نیروی کار صف زحمتکشان بر زمینه تعطیل نیروی کار، بیکاری و فقر گسترده یکساله در کشور انجامیده است که تا کنون بی وقفه ادامه دارد. گستره ناامنی در شهر ها و روستا ها به شمول کابل و شهر های بزرگ در کشور گرسنگان و بینوایان، به رغم فخرفروشی اولیه گروه ریاکار طالبان مبنی بر آوردن امنیت به کشور، پس از هر روز گسترش یافته و ادعای توأم با تبختر نخستین طالبان را باطل ساخته است.

۱۰. حدت یابی تضاد های درونی و انکشافات اخیر بر پایه آن. گروه نامتحد طالبان بر زمینه های فکری، سیاسی، اقتصادی، قبیله ئی، علایق و تعلقات بیرونی سیاسی - استخباراتی، وابستگی و مزدوری همزمان مضاعف به چندین مرکز اطلاعاتی، شیفتگی رهبران آن به قدرت، اشتیاق وافر به دسترسی به سرمایه های هنگفت و بادآورده مافیائی و غصب ثروت در جامعه؛ به دو جناح عمده و چندین گروه و حلقه کوچک و محلی تقسیم شده است. گماشته شدن ملا های کم سواد طالبی در نقش رهبران این گروه و و شیفتگی سران "امارت" آن به قدرت و چسبیدن این کم سوادان به میز و مقام و جاه و مکان؛ تضاد های جناحی و میان گروهی طالبان را بر زمینه های فوق حدت بخشیده است.

ترور "ایمن الظواهری" رهبر مصری تبار سازمان تروریستی افراطی القاعده ساخت خود امپریالیسم امریکا، توسط طیاره بی پیلوت امریکائی بر زمینه تحرکات کشفی - استخباراتی، به تاریخ نهم اسد/ ۲۹ جولای سال روان در کابل، تبارز آشکار و اوج این حدت گیری جناحی گروه ارتجاعی طالبان را هویدا ساخت. این ترور دولتی رهبر القاعده پیامد ها و زوایای متعددی دارد که کلیه عرصه های حکومت داری و اشکال روابط بیرونی و درونی طالبان را متأثر می سازد: تضعیف درونی ارتجاع حاکم، تشدید بحران اقتصادی - سیاسی طالبان، قفل خوردن درب شناسائی لافل در کوتاه مدت، تعدیل احتمالی ساختاری، تعدیل قسمی سیاست ها، دیدگاه ها و مواضع تاکتونی، روابط با قدرت های امپریالیستی غرب و شرق، تشدید احتمالی رقابت امپریالیستی بر سر افغانستان و منطقه، روابط با دولت مردان و نظامیان پاکستان، بازتعریف مفهوم "دولت فراگیر" و موارد متعدد دیگر...

ترور امریکائی رهبر القاعده در کابل از هوا با راکت، حاوی این نکات انتباهی زیرین است:

الف:- امپریالیسم پایبند هیچ گونه مقررات ثابتی نبوده و در هر مقطعی بر طبق اقتضای منافعش، عمل و دوستی و دشمنی می کند؛ حاکمیت ملی کشور ها برای امپریالیسم بی معنی است.

ب:- نفس این ترور و فروش اطلاعات مربوط به محل اسکان رهبر القاعده و همکاری دولت بحران زده پاکستان در ازای دریافت ۳۴ میلیارد روپیه، در عین حال نشان داد که در سیاست های ارتجاعی، نیرو های مزدور همیشه قربانی منافع و مصلحت های اربابان خویش می شوند؛

ج:- گروه پوشالی مزدور طالبان در برابر اربابان امریکائی و پاکستانی خود هیچ ارزشی نداشته و به مثابه یک نیروی فوق ارتجاعی و پوشالی فاقد حمایت مردمی؛ نه اراده و نه توان دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و صیانت حریم زمینی و هوائی کشور را دارد.

هر چند طومار وطن فروشی، جنایت، شقاوت، خیانت، فاشیسم، کشتار، ستم، استثمار و تبعیض گروه و امارت خیانت و جنایت پیشه طالبان و حامیان بیرونی اش از ایجاد تا امروز و به خصوص طی این یک سال اخیر حکومتداری اش بسیی طویل است، ولی در این مختصر، به ذکر موارد عمده فوق بسنده می کنیم.

یک سال عملکرد حکومتداری گروه فاشیست و تمامیتخواه طالبان، بر ماهیت غلیظ مزدوری و ماهیت ارتجاعی این گروه و دشمنی آشکار آن با توده های تحت ستم، استثمار و تبعیض زحمتکشان کشور شامل زنان و مردان؛ شوونیسم قومی - جنسیتی و ضدیت این گروه مزدور و برتری طلب با استقلال، حاکمیت ملی و وحدت ملی اقوام و کتله های انسانی افغانستان، صحنه گذاشت.

اما به رغم تداوم یکساله این روش ها، مواضع و سیاست های هدفمند ضد ملی، ضد مردمی و ضد انسانی این گروه و حامیان بیرونی اش و خشم و انزجار گسترده مردم ستمدیده کشور در برابر طالبان و اربابان بیرونی شان، و به رغم متشنج و وخیم شدن اخیر روابط گروه و "امارت طالبان" با امپریالیسم امریکا و متأثر شدن چنین روابط این گروه خودفروخته و جنایتکار با سائر قدرت های ارتجاعی - استعماری بیرونی؛ آنچه در کوتاه مدت متصور و محتمل است، بازتعریف مفهوم "دولت فراگیر" به رهبری گروه طالبان توسط دولت های امپریالیستی - ارتجاعی منطقه و جهان و "ملل متحد" و اجماع روی آن و بر پایه آن، تعدیل ساختاری احتمالی خود گروه طالبان و حکومت موقت آن و سیاست ها و مواضع رسمی آن است. در صورت تشدید و حاد شدن رقابت امپریالیستی میان دو محور "بروکسل" و "مسکو" به طور کلی یا بر سر مسائلی در پیرامون افغانستان و یا خود کشور ما، براندازی احتمالی گروه طالبان از قدرت پوشالی، در چشم انداز به نظر می رسد.

ساقط ساختن گروه طالبان و دستگاه دولتی سرکوب، شلاق و شکنجه آن به نام "امارت اسلامی" طالبان و بالانتر، برچیدن بساط سیطره و نفوذ امپریالیسم در افغانستان، به طور اساسی و ریشه ئی، کار توده های میلیونی آگاه و منسجم زحمتکشان کشور تحت رهبری پیشاهنگ انقلابی آن است که با دریغ، چنین بدیلی همین اکنون و شاید در کوتاه مدت، در میانه میدان حضور فعال و کارساز ندارد. ایجاد چنین بدیل مؤثر ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی از طریق تقویت، بازسازی و توحید اصولی ظرفیت های بالقوه موجود و بر مبنای شالوده های مشترک مبارزاتی و بسیج زنان و مردان تحت ستم کشور، نیاز زمان است.

طالبان فاشیست مظهر تمام پلیدی ها و جنایات ارتجاع و امپریالیسم است!

سلطه خونین ارتجاع طالبی، یعنی حضور امپریالیسم و ارتجاع در کشور!

تعیین مقدرات خلق و کشور، رسالت خلق آگاه و متحد افغانستان است!

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۴ اسد ۱۴۰۱ ش / ۱۵ اگست ۲۰۲۲ م